

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه شهید بهشتی

رساله دکتری رشته فلسفه اسلامی

موضوع

تبیین جایگاه وجودی انسان از نگاه ملاصدرا با تکیه بر کتاب اسرار الآیات

استاد راهنما

دکتر نصرالله حکمت

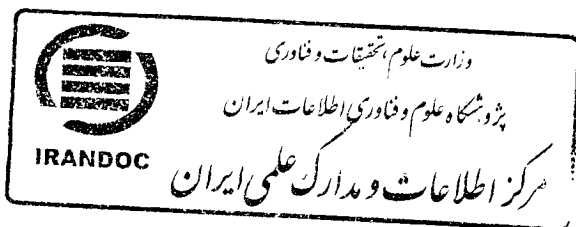
استاد مشاور

دکتر سید حسن احمدی

نگارنده

عبدالله صلواتی

سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸



ب

۱۴۹۱۶۱

۱۹/۱۰/۱۳۸۹

بناام خدا

حبه دفاع از رساله دکتری آیت‌الله عبادی... صلواتی دانشجوی دوره
دکتری منتهی گرایش منتهی اسلامی با عنایت "تدبیر جایگاه وجودی
انسان از نگاه ملا صدرا با تکیه بر کتاب اسرار الایات" به راهنمای
آیت‌الله دکتر نوری... حکمت و مشاورت آیت‌الله دکتر احمدی در تاریخ ۱۶/۶/۲۲
با حضور استادان داور داخلی و خارجی تشکیل گردید. پس از اتمام گزارش نویسی و دفاعیات
ایشان و بحث و تبادل نظر و گفتگو این رساله با نمره ۱۹۳ و درجه عالی
مورد پذیرش قرار گرفت.

انت دفاع

استادیت در
تجربا

نضاله ۷۴

پوزیتو
داور خارجی

داغی
گن

ایه نهد

مکمل

لله
صی کشنده
داور بیرونی

تشکر و قدردانی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُتَجَلَّى لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَالظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ

(نهج البلاغه خطبه، ۱۰۸)

برخود لازم می‌دانم مراتب سپاس خود را نسبت به زحمات و راهنماییهای ارزنده‌ی

استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر نصراله حکمت و نیز رهنمودهای استاد

محترم مشاور جناب آقای دکتر سید حسن احمدی اعلام نمایم.

تقدیم به

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

فهرست مطالب

| | |
|----|---|
| ۱ | چکیده |
| ۳ | مقدمه |
| ۴ | ۱- بیان مسأله |
| ۷ | ۱-۲- سوالات اصلی تحقیق |
| ۷ | ۲-۲- سوالات فرعی تحقیق |
| ۷ | ۳-۲- فرضیات تحقیق |
| ۹ | ۳- سوابق تحقیق |
| ۱۱ | ۴- ضرورت تحقیق |
| ۱۲ | ۵- اهداف |
| ۱۲ | ۶- روش تحقیق |
| ۱۲ | ۷- جنبه های نوآوری رساله |
| ۱۳ | ۸- مروری بر فصول تحقیق |
| ۱۵ | بخش اول: مبانی و روش ها |
| ۱۶ | فصل اول : مبانی فلسفی مرتبط با شناخت انسان در فلسفه ملاصدرا |
| ۱۶ | طرح مسأله |
| ۱۶ | ۱-۱- اصالت وجود |
| ۲۱ | ۲-۱- وحدت تشکیکی وجود |
| ۲۴ | ۳-۱- حرکت جوهری و حرکت وجودی |
| ۲۷ | ۴-۱- حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن |

- ۵-۱- اتحاد عاقل و معقول ----- ۲۹
- فصل دوم: روش شناسی ملاصدرا در اسرار الآیات ----- ۳۲
- طرح مسأله ----- ۳۲
- ۱-۲- تنوع روشی با تاکید بر نگرش وجودی ----- ۳۲
- ۲-۲- عدم تفکیک مقام گردآوری و داوری ----- ۳۷
- ۳-۲- روش شناسی ملاصدرا در اسرار الآیات ----- ۳۹
- بخش دوم: امکان شناخت انسان و مؤلفه‌های مرتبط با آن ----- ۴۱
- فصل اول : امکان شناخت انسان نزد ملاصدرا ----- ۴۲
- طرح مسأله ----- ۴۲
- ۱-۱- امکان شناخت انسان ----- ۴۲
- ۲-۱- دشواری‌های شناخت انسان ----- ۴۷
- فصل دوم: مؤلفه‌های مرتبط با انسان نزد ملاصدرا ----- ۵۵
- طرح مسأله ----- ۵۵
- ۱-۲- فطرت ----- ۵۵
- ۱-۱-۲- اطلاقات فطرت ----- ۵۵
- ۲-۱-۲- ویژگی‌های فطرت ----- ۵۷
- ۲-۱-۲- ۱- مزدوج از اسمای جمالی و جلالی ----- ۵۷
- ۲-۲-۱-۲- بالقوه بودن نسبت به آثار ملائکه و شیاطین ----- ۵۹
- ۲-۱-۲- ۳- قوت گرایش‌های الهی در برخی نفوس و قوت تمایلات شیطانی در نفوس دیگر - ۶۰
- ۲-۱-۲- ۴- تشکیک یا تباین ----- ۶۲

- ۶۵ ----- ۲-۲- سعادت و شقاوت
- ۷۰ ----- ۳-۲- نقش معرفت و عمل در فراروی انسان
- ۷۰ ----- ۱-۳-۲- اصالت علم در حکمت صدرایی
- ۷۵ ----- ۲-۳-۲- مولفه محوری علم انسان ساز
- ۸۰ ----- ۴-۲- نقش اراده در فراروی انسان
- ۸۴ ----- ۵-۲- نقش دین در فراروی انسان
- ۹۲ ----- ۶-۲- حدود و ثغور پذیرندگی و فراروی انسان
- ۱۰۱ ----- بخش سوم: نحوه‌ی حضور انسان در عوالم گوناگون
- ۱۰۲ ----- فصل اول: کینونت‌های پیشین و پسین انسان
- ۱۰۲ ----- طرح مسأله
- ۱۰۲ ----- ۱-۱- کینونت‌های متناظر پیشین و پسین
- ۱۰۵ ----- ۲-۱- گونه‌های کینونت پسین
- ۱۰۶ ----- ۱-۲-۱- تحقیق و بررسی یک تعارض
- ۱۰۹ ----- ۳-۱- نقش مرگ در پیدایش کینونت‌های جدید
- ۱۱۰ ----- ۴-۱- دسته بندی دیگر از مراتب کینونت پسین
- ۱۱۴ ----- فصل دوم: تبیین کینونت پیشین انسان
- ۱۱۴ ----- طرح مسأله
- ۱۱۴ ----- ۱-۲- تبیین کینونت پیشین براساس برخی اصول
- ۱۱۹ ----- ۲-۲- تبیین کینونت پیشین انسان بر پایه‌ی قاعده‌ی بسیط الحقیقه

- بخش چهارم: کثرت نوعی و تاریخی انسان ----- ۱۲۳
- فصل اول: تاریخچه کثرت نوعی انسان ----- ۱۲۴
- طرح مسأله ----- ۱۲۴
- ۱-۱- کثرت نوعی انسان نزد ارسطو ----- ۱۲۴
- ۱-۲- کثرت نوعی انسان نزد ابن مسکویه ----- ۱۲۷
- ۱-۳- وحدت و کثرت نوعی انسان نزد ابن سینا ----- ۱۲۷
- ۱-۳-۱- وحدت نوعی انسان نزد ابن سینا ----- ۱۲۸
- ۱-۳-۲- شواهدی بر کثرت نوعی نزد ابن سینا ----- ۱۳۰
- ۴-۱- کثرت نوعی انسان نزد ابن رشد ----- ۱۳۴
- ۵-۱- کثرت نوعی انسان نزد ابوالبرکات بغدادی ----- ۱۳۴
- ۶-۱- کثرت نوعی انسان نزد شیخ اشراق ----- ۱۳۴
- ۷-۱- کثرت نوعی انسان نزد فخررازی ----- ۱۳۶
- ۸-۱- کثرت نوعی در مکتب ابن عربی ----- ۱۳۸
- فصل دوم: نظریه ملاصدرا در باب وحدت و کثرت نوعی انسان ----- ۱۴۰
- طرح مسأله ----- ۱۴۰
- ۱-۲- معیار وحدت و کثرت نوعی ----- ۱۴۰
- ۱-۱-۲- معیار وحدت و کثرت نوعی در نگرش ماهوی ----- ۱۴۰
- ۲-۱-۲- نقد و بررسی کارآمدی کثرت نوعی انسان در نگرش ماهوی ----- ۱۴۲
- ۲-۲- مدل‌های وحدت و کثرت نوعی انسان بر پایه‌ی مبانی فلسفی ----- ۱۴۷

۱. وحدت نوعی متواطی صرف ----- ۱۴۸
۲. کثرت نوعی ماهوی صرف ----- ۱۴۸
۳. کثرت نوعی وجودی ----- ۱۴۹
۴. وحدت نوعی مشکک به حسب ماهیت ----- ۱۴۹
۵. وحدت نوعی مشکک وجودی صرف ----- ۱۴۹
۶. وحدت نوعی مشکک وجودی و وحدت نوعی تشکیکی ماهوی ----- ۱۴۹
۷. وحدت نوعی مشکک وجودی و کثرت نوعی ماهوی ----- ۱۵۰
۸. وحدت نوعی مشکک به حسب ایمان و کثرت نوعی به حسب کفر ----- ۱۵۰
۹. وحدت نوعی مشکک وجودی پیشین ----- ۱۵۰
۱۰. وحدت نوعی مشکک وجودی پسین ----- ۱۵۱
۱۱. کثرت نوعی اسمایی ----- ۱۵۱
- ۲-۳- نظریه ملاصدرا در باب وحدت و کثرت نوعی انسان ----- ۱۵۲
- ۲-۳-۱- تطبیق مدل‌های وحدت و کثرت نوعی در فلسفه‌ی ملاصدرا ----- ۱۵۲
- ۲-۳-۱-۱- وحدت نوعی متواطی صرف ----- ۱۵۲
- ۲-۳-۱-۲- کثرت نوعی ماهوی صرف ----- ۱۵۴
- ۲-۳-۱-۳- کثرت نوعی وجودی ----- ۱۵۴
- ۲-۳-۱-۴- وحدت نوعی مشکک به حسب ماهیت ----- ۱۵۶
- ۲-۳-۱-۵- وحدت نوعی مشکک وجودی صرف ----- ۱۵۸
- ۲-۳-۱-۶- وحدت نوعی مشکک وجودی و وحدت نوعی مشکک ماهوی ----- ۱۵۹

- ۱۶۱-۷-۱-۳-۲- وحدت نوعی مشکک وجودی و کثرت نوعی ماهوی-----
- ۱۶۴-۸-۱-۳-۲- وحدت نوعی مشکک به حسب ایمان و کثرت نوعی به حسب کفر-----
- ۱۶۵-۹-۱-۳-۲- وحدت نوعی مشکک وجودی پیشین-----
- ۱۶۸-۱-۳-۲-۱-۹- دشواری‌های طرح وحدت نوعی مشکک پیشین و بیان راهکارها-----
- ۱۷۸-۱۰-۱-۳-۲- وحدت نوعی مشکک وجودی پسین-----
- ۱۸۱-۱۱-۱-۳-۲- کثرت نوعی اسمائی-----
- ۱۸۳-۲-۳-۲- دو تأویل فلسفی از آیه امانت و تطبیق آن با برخی از مدل‌های ارائه شده:-----
- ۱۸۶- فصل سوم: براهین وحدت و کثرت نوعی انسان و نقد و بررسی آنها-----
- ۱۸۶- طرح مسأله-----
- ۱۸۶-۱-۳- ادله موافقان و مخالفان وحدت نوعی انسان-----
- ۱۸۷-۱-۱-۳- دلایل موافقان وحدت نوعی انسان پیش از ملاصدرا-----
- ۱۹۰-۲-۱-۳- دلایل مخالفان وحدت نوعی انسان پیش از ملاصدرا-----
- ۱۹۴-۳-۱-۳- دلایل ملاصدرا در باب کثرت نوعی نزد ملاصدرا-----
- ۱۹۸-۴-۱-۳- تبیین ملاصدرا از کثرت نوعی انسان و بیان سازگاری آن با وحدت نوعی-----
- ۲۰۱- فصل چهارم: انواع انسان‌ها-----
- ۲۰۱- طرح مسأله-----
- ۲۰۱-۱-۴- انواع انسانی در اسرار الآیات-----
- ۲۰۸-۲-۴- برترین نوع انسانی: انسان کامل-----
- ۲۱۷- فصل پنجم: قلمرو کثرت نوعی پسین انسان-----

- طرح مسأله----- ۲۱۷
- ۱-۵- وقوع کثرت نوعی پسین انسان در آخرت ----- ۲۱۸
- ۲-۵- شواهدی بر وقوع کثرت نوعی پسین انسان در دنیا ----- ۲۱۸
- فصل ششم: تحول تاریخی انسان ----- ۲۲۶
- طرح مسأله----- ۲۲۶
- ۱-۶- تحول تاریخی انسان در عرفان ----- ۲۲۶
- ۲-۶- تحول تاریخی انسان نزد ملاصدرا ----- ۲۳۰
- ۱-۲-۶- تصریحات و شواهدی از تحول تاریخی نزد ملاصدرا ----- ۲۳۰
- ۲-۲-۶- نکاتی در باب تحول تاریخی انسان ملاصدرا ----- ۲۳۶
- ۳-۲-۶- ارائه برهان بر تحول تاریخی: ----- ۲۳۷
- فصل هفتم: فروع کثرت نوعی و تحول تاریخی انسان ----- ۲۳۹
- ۱-۷- کثرت نوعی و تحول تاریخی و دگرگونی در پاره‌ای مسائل ----- ۲۳۹
- ۱-۷-۱- کثرت نوعی و مساله رب النوع انسانی ----- ۲۳۹
- ۲-۱-۷- تحول تاریخی و نوعی و تعریف انسان ----- ۲۴۲
- ۳-۱-۷- انسان و سنجش مقام وجودی او با ملک ----- ۲۴۳
- ۲-۷- تلقی کثرت نوعی و ضرورت راهیابی اصطلاحات جدید در حکمت متعالیه ----- ۲۴۶
- ۳-۷- تلقی کثرت نوعی و ضرورت راهیابی تفاسیر نوین از اصطلاحات فلسفی و دینی ----- ۲۴۶
- ۴-۷- تبیین کارآمدتر پاره‌ای آیات و مسائل ----- ۲۴۷
- ۴-۷-۱- رفع تعارض پاره‌ای از آیات بظاهر متعارض ----- ۲۴۸

- ۲۴۹ ----- کثرت نوعی انسان و تبیین علوم و کشف‌های متفاوت
- ۲۵۱ ----- بازسازی براهین برپایه کثرت نوعی انسان
- ۲۵۲ ----- مسأله کثرت نوعی و جامعه
- ۲۵۴ ----- نتیجه‌گیری
- ۲۶۸ ----- منابع فارسی و عربی
- ۲۸۰ ----- منابع لاتین
- ۲۸۲ ----- چکیده انگلیسی

چکیده:

ملاصدرا بر پایه‌ی اصول و قواعدی چون اصالت وجود، وحدت تشکیکی وجود و قاعده‌ی بسیط الحقیقه انسان را در قوس نزول و صعود برخوردار از کینونت‌های طبیعی، مثالی و عقلانی و اسمایی می‌داند. به دیگر سخن انسان ملاصدرا از مجرد برزخی، عقلانی و فوق عقلانی بهره‌مند است. همچنین انسان ملاصدرا، وجودی در حال تحول به دو حرکت وجودی اضطراری و حرکت وجودی ارادی است که ایستایی و حد یقف ندارد؛ ازاینرو در حکمت متعالیه با آغاز تبدل وجودی، وحدت نوعی متواپی انسان جای خود را به تفاوت تفاضلی یا تباینی انسان می‌دهد و انواع و مراتب متفاوت انسانی شکل می‌گیرد. افزون بر دو حرکت یاد شده، انسان از منظر صدرالدین شیرازی، برخوردار از تحول تاریخی است که بر اساس آن، انسان در جریان تاریخ ظهور می‌یابد. تاریخ نزد ملاصدرا از حس آغاز شده و به مثال، توهم، عقل و مقام عبدیت ختم می‌شود به دیگر سخن آغاز انسان تاریخی صدرایی دوره‌ی حضرت آدم (علیه السلام) و انجامش، عصر حضرت خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است. در رساله حاضر کثرت نوعی انسان و به تعبیری تفاوت تفاضلی یا تباینی انسان از منظر ملاصدرا مطرح شده و ادله‌ی مخالفان آن مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در پایان بنابر مبانی و اقوال ملاصدرا براهینی بر کثرت نوعی انسان اقامه شده است. همچنین در این رساله برپایه‌ی شواهد و دلایلی بیان شده که قلمرو انواع انسانی، منحصر در آخرت نبوده است، بلکه زندگی دنیوی انسان را نیز دربر می‌گیرد. افزون بر آن ملاصدرا در باب کثرت نوعی انسان، بر نمط واحد سخن نگفته است؛ ازاینرو جهت طرح و تبیین کارآمدتر انحاء وحدت و کثرت نوعی انسان، مفهوم سازی جدیدی از سوی نگارنده صورت گرفته است که از آن جمله-

اند:

وحدت نوعی متواطی صرف؛ کثرت نوعی ماهوی صرف؛ کثرت نوعی وجودی؛ وحدت نوعی مشکک به حسب ماهیت؛ وحدت نوعی مشکک وجودی و کثرت نوعی ماهوی؛ وحدت نوعی مشکک وجودی پیشین و پسین؛ وحدت نوعی مشکک به حسب ایمان و کثرت نوعی به حسب کفر.

بخش عمده اسرارالآیات ملاصدرا در راستای تبیین جایگاه وجودی انسان به نگارش درآمده است؛ در اثر یاد شده ارتباط وثیق اطوار گوناگون انسان در حکمت متعالیه با مقامات قرآنی انسان مطرح شده است. در این رساله سعی شده تا نشان داده شود که چگونه ملاصدرا در اثر یادشده به مثابه‌ی فیلسوف به تفسیر فلسفی از انسان قرآنی برآمده است و از سوی دیگر به مدد آیات و روایات، زوایای ناشناخته‌ی انسان فلسفی را تبیین نموده است. همچنین در این رساله باتوجه به اقوال صریح ملاصدرا و نگاه عرفانی او تحول تاریخی انسان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین رساله حاضر به دگرگونی‌های برآمده از تلقی کثرت نوعی انسان از جمله تغییراتی در مبحث مثل افلاطونی و بازسازی برخی براهین اشاره می‌کند.

کلمات کلیدی: وحدت نوعی، کثرت نوعی، حرکت وجودی ارادی، تحول تاریخی، انسان کامل، اسرارالآیات.

در این رساله از جایگاه وجودی انسان در عوالم گوناگون و مؤلفه‌های تأثیر گذار بر انسان ملاصدرا و ساختار وجودی آن بحث می‌شود. اما محور اساسی رساله‌ی حاضر بررسی وحدت نوعی انسان و انکار آن در قالب کثرت نوعی مشتمل بر تفاوت تفاضلی و تباینی انسان نزد ملاصدرا است. در باب وحدت نوعی انسان‌ها بین حکمای مسلمان اتفاق نظر وجود ندارد. به دیگر سخن تساوی عقول و برابری انسان‌ها در ماهیت و حقیقت، عقیده‌ی ای مسلم و مورد اتفاق، نزد حکمای مسلمان نبوده است؛ چنانکه به گزارش ابوالبرکات بغدادی اکثر مشهوران به حکمت به وحدت نوعی انسان اعتقاد دارند و گروهی که اصالت در حکمت ندارند انسان‌ها را انواع گوناگون می‌انگارند. همچنین فخررازی پس از ذکر دلایل موافقان و مخالفان وحدت نوعی انسان و اذعان به اختلاف احوال نفوس انسانی به این سخن رهنمون می‌شود که دلیلی بر اثبات دو طرف نقیض (وحدت یا کثرت نوعی انسانها) وجود ندارد. اما ملاصدرا با به کارگیری نگرش وجودی، نه تنها نوع بشر را منحصر در فرد می‌داند، بلکه در یک فرد بشر، نیز انواعی از انسان‌ها را مطرح می‌کند نه نوع ثابت انسانی. به دیگر سخن او وحدت نوعی متواپی صرف را انکار می‌کند و در مقابل تفاوت تفاضلی انسان‌ها و تفاوت تباینی آنها را مطرح می‌کند.

در موضعی از *اسرارالآیات*، کثرت نوعی انسان مطرح شده است که بر اساس آن انسان‌های برخوردار از وحدت نوعی به انواعی از مخلوقات چون ملک، شیطان، سُبُع و بهیمه تبدیل می‌شوند و به تعبیری انسان‌ها به حسب دنیا نوع واحد هستند، اما به لحاظ باطن و آخرت، انواع متعدد انسانی را رقم می‌زنند که می‌توان بر اساس مدل‌های مختلف وحدت و کثرت نوعی، قرائت‌های متفاوتی از کثرت نوعی مذکور ارائه کرد.

همچنین می‌توان مراتب و مقامات قرآنی و عرفانی انسان از جمله توکل، رضا و فنا در *اسرارالآیات* را حاکی از مراتب مختلف وجود و منافی وحدت نوعی متواپی صرف انسان تلقی کرد و دقیقاً به همین معنا انسان‌ها را در مراتب متفاوت سلوکی، کثیر نوعی دانست.

همچنین صدرالدین شیرازی تاریخ را جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء می‌داند؛ به این بیان که تاریخ از حس آغاز شده و به مثال، توهم، عقل و مقام عبدیت ختم می‌شود بنابراین انسان در هر دوره‌ی تاریخی، اقتضائات و تعیین متمایز از دیگر دوره‌ها دارد و برترین نوع انسانی و امت در عصر حضرت خاتم(صلی الله علیه و آله و سلم) ظهور می‌یابد.

بنابراین این رساله در صدد پاسخ به دغدغه‌ها و مسائل ذیل است: توجیه و تبیین کثرت نوعی انسان در قالب تفاوت تفاضلی و تباینی انسان‌ها و تبیین سازگاری آن با نگرش وحدت انگار وجودی؛ تبیین تحول تاریخی انسان؛ بررسی تغییرات راه یافته برپایه تلقی صدرایی از انسان در حکمت متعالیه در محور برخی مسائل، براهین و شبکه زبانی؛ تبیین نقش دین و اراده در فراروی انسان؛ تعیین حدود و ثغور پذیرندگی انسان؛ بررسی برخی لوازم و نتایج فلسفی تلقی صدرایی از انسان.

در اینجا لازم است که به برخی عناصر محوری رساله از جمله پرسش‌های تحقیق، فرضیات و سوابق تحقیق اشاره شود:

۱- بیان مسأله

در این رساله، سعی می‌شود با بررسی آرای ملاصدرا در باب انسان به ویژه در کتاب *اسرار الآیات* نشان دهیم که چگونه ملاصدرا تصویری جدید از انسان، در مقابل نگرش ماهوی فیلسوفان پیشین، به دست می‌دهد و بیان می‌شود که چگونه ملاصدرا کثرت نوعی انسان را تبیین می‌کند و لوازم و نتایج فلسفی کثرت نوعی انسان چیست؟ و چگونه ملاصدرا با نگرش وحدت انگار وجودی، می‌تواند کثرت نوعی و تباین انواع را مطرح کند؟ بنابراین ماهیت، عامل تباین و خاستگاه کثرت است و وجود کانون وحدت. نزد فیلسوفان مسلمان پیش از ملاصدرا، ماهیت به عنوان محور مباحث در باب شناخت انسان مطرح بوده است؛ از اینرو غالباً متفکران ماهوی نگر، به وحدت نوعی انسان، حکم کرده اند و کسانی که کثرت نوعی را فارغ از نگرش وجودی، مطرح نموده اند توفیق چندانی در تبیین و نظام مند کردن عقیده خویش نداشته و نتوانسته اند به نحو روشمند مسأله کثرت نوعی و لوازم و کارکردهای آن را ارائه کنند.

اما ملاصدرا با نظر به وجود و برپایه نگرش اصالت وجودی و مبانی‌ای برآمده از آن چون حرکت وجودی و اتحاد عاقل و معقول، تفسیری متفاوت از انسان ارائه کرده و کثرت نوعی انسان را به نحو نظام مند تبیین نموده است.

از سوی دیگر می‌توان مدل‌های گوناگون در باب نوعی انسان از نظر ملاصدرا ارائه کرد؛ به این بیان که نظریه کثرت نوعی پیش از ملاصدرا، از مدلی واحد و پیشین پیروی می‌کرد که در آن هر انسانی در آغاز خلقت و پیش از فعل اختیاری، نوع منحصر در فرد یا طیف است. اما کثرت نوعی ملاصدرا منحصر در مدلی واحد نیست و می‌توان با توجه به اقوال ملاصدرا و مبانی فلسفی او، مدل‌هایی چون کثرت نوعی ماهوی ملازم با وحدت نوعی مشکک وجودی، کثرت نوعی به حسب کفر، تفاوت تفاضلی پیشین و پسین و کثرت نوعی اسمایی را استنباط کرد.

ملاصدرا در مواضعی بر پایه وحدت نوعی انسان مباحثی را مطرح کرده است و در جاهای متعدد از آثارش از کثرت نوعی و تباین انسان‌ها سخن گفته است و عقیده‌ی وحدت نوعی انسان را نافی نبوت ارزیابی می‌کند. افزون بر آن در آنجاها که از کثرت نوعی بحث کرده، موضع واحدی در باب قلمرو کثرت نوعی انسان اتخاذ نکرده است؛ برخی از سخنان ملاصدرا حاکی از آن است که کثرت نوعی صرفاً در آخرت اتفاق می‌افتد و در این نشئه انسان همچنان نوع واحدی است. اما صدرالمتألهین در مواضعی از آثارش، عباراتی را بیان می‌کند که از آن می‌توان تفاوت نوعی انسانها را در همین نشئه نتیجه گرفت و آخرت را صرفاً جایگاه ظهور و بروز انواع متکثر دانست؛ از اینرو در این رساله سعی می‌شود مواضع ابهام، روشن شود و سازگاری و عدم سازگاری هریک از مواضع با کلیت نظام فکری ملاصدرا تبیین گردد.

بر اساس نگرش وجودی ملاصدرا به انسان و دیگر مسائل، اصطلاحات جدیدی به شبکه معرفتی صدرالمتألهین راه می‌یابند از جمله وحدت نوعی مشکک وجودی و وحدت نوعی مشکک ماهوی، وحدت نوعی مشکک وجودی و کثرت نوعی ماهوی، وحدت نوعی مشکک به حسب ایمان و کثرت نوعی

به حسب کفر؛ وحدت نوعی مشکک وجودی پیشین، وحدت نوعی تجرد آگاهی، تناسخ ملکی، فطرت ثانی مباین و غیرمباین و از سوی دیگر بر پایه نگرش وجودی، برخی اصطلاحات از جمله توبه، لعن و ایمان تفسیر جدیدی می یابند. رهیافت وجودی ملاصدرا به مسئله کثرت نوعی انسان، مبانی، شبکه زبانی غنی او و طرح آن به نحو تفاوت تفاضلی و تباینی پسینی و حداکثری به مدد حرکت وجودی، چهره‌ی نو و منحصر بفردی به این مسئله می بخشد و دقیقاً به همین دلیل، می توان ادعای ملاصدرا را در ابتکاری بودن مسئله مذکور موجه دانست.

همانطوری که مطرح شد در انسان صدرایی، مولفه دین حضور جدی و گسترده دارد و انسان پیوستگی عمیق با دین دارد؛ ملاصدرا در دو بخش شناخت انسان و سلوک عملی او، ناظر به دین است و انسان فلسفی ملاصدرا در شبکه ای از اصطلاحات و آموزه های دینی معنا و تفسیر می گردد، اوج این تلقی دینی از انسان را می توان در آثاری چون *اسرارالآیات*، *مفاتیح الغیب* و *شرح اصول کافی* جستجو کرد، ملاصدرا در آثار یاد شده درصدد تبیین قرآنی از انسان فلسفی خویش برمی آید و در مواردی تبیین فلسفی از انسان قرآنی به دست می دهد، تعامل یاد شده با دین، سبب شده فلسفه ملاصدرا، تصویر متفاوتی از انسان ارائه کند.

در بین آثار یاد شده، *اسرارالآیات* و *مفاتیح الغیب*، صبغه فلسفی بیشتری دارند. اما با توجه به آنکه در *مفاتیح الغیب*، صبغه تفسیری غلبه دارد و از سوی دیگر، مرحوم ملاعلی نوری، حواشی و تعلیقات عالمانه ای بر *اسرارالآیات* نگاشته اند، *اسرارالآیات* جهت بررسی انسان ملاصدرا انتخاب شد. البته *مفاتیح الغیب* ملاصدرا نیز می تواند به عنوان یک طرح پژوهشی مستقل در باب تبیین وجودی انسان، مورد پژوهش قرار گیرد.

تحول تاریخی انسان ملاصدرا نیز از مسائلی است که ملاصدرا به تفصیل بدان نپرداخته و در *اسرارالآیات* نیز تنها اشاراتی در این باب موجود است و در این رساله سعی می شود تا به تفصیل از تحول تاریخی انسان ملاصدرا و فروع آن بحث شود.

۲-۱- سوالات اصلی تحقیق

۱. کثرت نوعی انسان، نزد ملاصدرا، چه توجیهی دارد؟
۲. چگونه ملاصدرا با تحول تاریخی انسان موافق است؟
۳. چگونه انسان ملاصدرا در /سررالات، در راستای تلقی فلسفی او از انسان است؟
۴. کارکردها و نتایج مترتب بر تلقی صدرایی از انسان چیست؟

۲-۲- سوالات فرعی تحقیق

- ۱-۱ در فراروی یا تبدل انسان ها از نوعی به نوع دیگر، تقدم با علم است یا عمل؟
- ۲-۱ دین در فراروی انسان چه نقشی می تواند ایفاء کند؟
- ۲- تحول تاریخی ملاصدرا با کثرت نوعی چه ارتباطی دارد؟
- ۳- آیا ایمان قرآنی ملاصدرا، او را به تنوع انسان کشانده یا مبانی عقلی، او را متمایل به پذیرش کثرت نوعی انسان کرده است؟

۲-۳- فرضیات تحقیق:

۱. کثرت نوعی انسان، از لوازم مبانی حکمت متعالیه از جمله حرکت وجودی و اتحاد عاقل و معقول است. و با پذیرش مبانی یاد شده نمی توان انسان را وجودی ثابت و غیر متبدل دانست.
- ۱-۱ در فراروی انسان به سوی انواع برتر، علم نسبت به عمل نقش بیشتری ایفاء می کند. و اساسا ملاصدرا برای عمل نقش مقدماتی قائل است.
- ۱-۲ آموزه های نظری دین، در شناخت انسان و تعالیم عملی و نظری آن در سلوک عملی انسان نقش دارند.